

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: جهاد جلسه: شصت و سوم تاریخ: ۸۷/۱۱/۱۳
الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على خاتم الانبياء
والمرسلين سيدنا و نبينا أبا القاسم محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين
المعصومين سيما بقية الله في الارضين واللعن على أعدائهم أجمعين.

برای کتب اربعه ما که این قدر مهم اند، این پدر و پسر این زحمت را کشیده اند و این کتب اربعه را به این ترتیب شرح کرده اند. در ما نحن فيه برای تفسیر بیشتر مطلب به ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الاخبار مراجعه کرده ام جلد ۷، صفحه ۴۱۵، می گوید مراد از ابن صفیه زبیر است، زبیر پسر عمه پیغمبر (صلی الله علیه وآله) است و صفیه هم مادرش می باشد. تقریباً می شود گفت که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) خواسته آن غیرت و شهامت زبیر را بیان کرده باشد لذا فرموده است {أما إته لو دخل علی ابن صفیه} اگر این مرد که مهاجم است و بدون اجازه شما وارد خانه شد و حلیّی زوجه شما را برده بر ابن صفیه داخل می شد که زبیر باشد {لما رضی بذلك حتی یعمه بالسيف} او به این مطلب تن در نمی داد تا اینکه با شمشیر آن شخص را به سزای خودش می رساند، این دال است بر اینکه اگر کسی بی اجازه وارد خانه شخصی شود و نسبت به همسر انسان بی حرمتی کند و حلیّی او را بگیرد شخص حق دارد که او بکشد و اشکالی هم ندارد، این خبر اول باب است.

ما اخبار را دسته بندی کردیم، یکی از کارهای لازم و بسیار خوب این است که اخبار را یک دسته بندی کنیم و بر اساس آن دسته بندی بحث کنیم. بحث ما در مورد اخباری است که دلالت دارند بر اینکه اگر کسی بدون اجازه وارد خانه شخصی بشود و نسبت به همسر یا کنیز انسان و یا خاله ی انسان و... بی حرمتی کند. خبر اول در مورد زوجه بود. اما خبر دوازدهم باب {عن الرضا(علیه السلام) عن الرجل یكون فی السفر و معه جاریة له و یجیء قومٌ یریدن أخذ جاریته} طائفه ای می آیند و می خواهند جاریه این شخص را از او بگیرند {أیمنع جاریته من أن تأخذ و إن خاف علی نفسه القتل} آیا جلو اینکه جاریه اش را ببرند بگیرد حتی اینکه خودش را بکشند، {قال نعم} بله! واجب است که دفاع کند که جاریه اش را نبرند ولو اینکه خودش کشته شود، {قلت و كذلك إذا كانت معه امرأة قال نعم} اگر غیر از جاریه زنی گفته امراً و نه گفته امرا ته همراهش باشد باز هم همانگونه است، {قلت كذلك الأمّ و البنات و ابنة العمّ و القرابة} اگر مادرش، دخترش، دختر عمویش، خاله اش و... همراه او هستند {یمنعن} و این خاف علی نفسه

القتل، قال نعم} باید جلو آنها را بگیرد هر چند که برسد کشته می شود، {قال و كذلك المال یریدون أخذہ فی سفر فیمنعه و أن خاف علی القتل، قال نعم}، خلاصه اگر عزت انسان آبروی انسان و چیزهایی که با انسان ارتباط دارند در خطر بیافتند باید دفاع کند.

مطلب دوم اینکه در اینجا یک حکم تکلیفی داریم و یک حکم وضعی داریم، حکم تکلیفی این است که این شخص باید دفاع کند، اگر بی تفاوت بماند و ساکت باشد گناه کرده است. حکم وضعی اینکه اگر دفاع کرد و آن طرف را کشت این شخص ضامن نیست.

در مورد حکم تکلیفی، دسته ای از اخبار یستفاده منها حکم تکلیفی که خبر دوم باب است، {عن جعفر عن أبيه عليهما السلام إن الله ليمقت العبد یدخل علیه فی بيته و لا یقاتل} خداوند دشمن می دارد کسی را که شخصی بدون اجازه او وارد خانه اش شده و قصد تهاجم دارد و او قتال نمی کند. این خبر می گوید واجب است قتال کند و اگر قتال نکند گناه کرده است. این خبر در صفحه ۹۱ در باب ۴۶ می باشد. خبر پانزدهم باب، {عن رسول الله(صلی الله علیه وآله) قال یُبغض الله تبارک و تعالی الرجل یدخل علیه فی بيته و لا یقاتل} خداوند دشمن می دارد کسی را که وارد خانه او شدند و قتال نکنند، این خبر دلالت دارد بر حکم تکلیفی که باید قتال کند ولو اینکه کشته شود و اگر ساکت باشد گناه کرده است.

و حال باید چه کند؟ در خبر سوم باب بیان شده است، {عن جعفر عن أبيه عليهما السلام أنه قال إذا دخل عليك رجل یرید أهلك و مالک فابدره بالضربة إن استطعت} اگر کسی داخل خانه تو شد و با اهل تو کار دارد و یا مالت را می خواهد بگیرد او را اگر توانستی با شمشیر بزن، علاوه بر اینکه نباید بی تفاوت باشی باید قیام کنی و او را با شمشیر بزنی. {فإن اللص محارب لله و لرسوله} لُص یعنی دزد، و حضرت از صغری بحث محارب استفاده کرده است که دیروز خواندیم. {أما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله...} که در سوره مائده بود، حضرت می فرمایند این شخص مصداق محارب است، چون محارب کسی است که امنیت را بر هم بزند، محارب کسی است که {یسعون فی الارض فساداً} در زمین سعی در فساد دارد و امنیت را بر هم می زند. {فما تبعک منه شیء فهو علی} او را بزن و اگر او را زدی و جایی از او شکست و یا او را کشتی، بعهد من است یعنی شما چیزی ضامن نیستی. این روایات که خواندیم از جلد ۱۱ وسائل ۲۰ جلدی، باب ۴۶ از ابواب جهاد عدو می باشد.

بعضی از اخبار را صاحب وسائل در اینجا ذکر نکرده است و در باب حدود و تعزیرات ذکر کرده است. در آنجا باب ۷ از ابواب دفاع،

۵۷ هزار حدیث می شود. ایشان می فرمایند عامّه چون حدیث کم آورده اند قیاس و استحسان درست کرده اند ما نیاز به اینها نداریم، ما ۵۷ هزار حدیث داریم.

کتاب من لایحضره الفقیه ۶ هزار حدیث دارد که ۲ هزار آنها مرسل است و ۴ هزار مسند است. در آن ۲ هزار حدیث مرسل تعابیر فرق می کند، یکی مانند اینجاست و می گوید {مِن أَلْفَاظِ رَسُولِ اللَّهِ} و بعضی اوقات هم می گوید {رُؤْيٍ} که این هم مرسل است، امام (رضوان الله تعالی علیه) بین این دو در دروسشان فرق می گذاشتند، می فرمودند گاهی صدوق می گوید {رُؤْيٍ} که مرسل است ولی گاهی می گوید {مِن أَلْفَاظِ رَسُولِ اللَّهِ} چون به اندازه ای برای ایشان ثابت و مسلم بوده که {رُؤْيٍ} نگفته است. خلاصه خبر سیزدهم باب این است {محمد بن علی بن الحسین (که همان صدوق است) قال من ألفاظ رسول الله (صلی الله علیه وآله) مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ} این قدر این حدیث در نظر صدوق مسلم بوده است گفته {مِن أَلْفَاظِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله)}.

حال می رویم سراغ مال، آیا مال با عرض و جان فرق دارد یا ندارد؟ چون فقهاء ما نوعاً فرموده اند و امام هم در تحریر الوسیله دارند که نسبت به جان واجب است انسان دفاع کند هر چند بداند که کشته می شود، احتمال و ظنّ که سهل است اگر بداند که کشته می شود باز هم واجب است که دفاع کند. درباره عرض هم باید به همین گونه دفاع کند هر چند بداند که کشته می شود ولی راجع به مال اینگونه نیست بلکه جائز است نه اینکه واجب باشد. جائز است که دفاع کند ولو اینکه کشته شود و همچنین جائز است که صرف نظر کند، چون زمانی می بیند که اگر بخواهد از مالش دفاع کند خودش کشته می شود، اهمّ و مهمّ می کند، می سنجد و دفاع نمی کند. پس در مورد مال دفاع جائز است نه واجب. خبری که در این مورد است خبر دهم است و آن این است {عن الحسین بن أبی العلاء قال سألتُ أبا عبد الله (علیه السلام) عن الرجل يُقاتل دُونَ مَالِهِ قال رسول الله (صلی الله علیه وآله) مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ} فرمودند اشکال ندارد، {أَيُّقَاتِلَ أَفْضَلَ أَوْ لَا يُقَاتِلُ فَقَالَ أَمَّا أَنَا فَلَوْ كُنْتُ لَمْ أَقَاتِلْ وَ تَرَكْتُهُ} آن شخص سوال کرد که اگر قتال کند افضل است یا نه؟ فرمودند در اینجا مجبور و ملزم نیست و اگر من باشم و در مورد مال باشد من قتال نمی کنم و آن را ترک می کنم. بنابراین نسبت به مال و جان و عرض تفاوت وجود دارد، در جان و عرض دفاع واجب است ولو اینکه بداند که کشته می شود اما در مورد مال اینگونه نیست، شاید بتوان گفت در موارد فرق می کند، بعضی جاها می باشد که اگر مال

خبر سوم، {قال سمعت ابا عبد الله (علیه السلام) يقول من دخل على مؤمنٍ داره محارباً فدمه مباح في تلك الحال للمؤمنين و هو في عنقي} یعنی اگر زد و کشت خونش بر گردن من است و آن شخص ضامن نیست، در نتیجه این اخبار هم دلالت دارند بر حکم تکلیفی که نباید ساکت باشد و حکم وضعی که اگر این دفاع منجر به کشته شدن شود ضمانی وجود ندارد.

خبر ششم باب ۴۶ از ابواب جهاد عدو، {قال قلت لابی جعفر (علیه السلام) اللصّ يدخل علیّ فی بیتی یرید نفسی و مالی قال أقتله فأشهد الله و من سمع أن دمه فی عنقي} او را بکش و ضامن هم نیستی. دسته ای از روایات دلالت دارند که اگر کسی در این راه کشته شود شهید است یعنی خداوند به او ثواب شهید را می دهد، خبر نهم این باب، {عن ابی جعفر (علیه السلام) قال قال رسول الله (صلی الله علیه وآله) مَنْ قُتِلَ دُونَ مَظْلَمَتِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ} هر کس در راه تشبیت و احقاق حق خودش کشته شود، شهید است. (مظلّمه به حقوق گفته می شود) {ثمّ قال یا أبا مریم هل تدری ما دُونَ مَظْلَمَتِهِ} آیا می دانی مظلّمه چیست؟ {قلت جعلت فداک الرجل یُقْتَلُ دُونَ أَهْلِهِ وَ دُونَ مَالِهِ وَ أَشْبَاهَ ذَلِكَ} کسی که در راه حفظ اهلش و مالش و اشیاء ذلک که در نزد انسان احترام دارند کشته شود، {قال یا ابا مریم إنّ من الفقه عرفان الحق} حضرت فهم او را تصدیق کردند و فرمودند یکی از ابواب فقه این است که انسان حق را بفهمد و تو حق را فهمیدی. کسی دُونَ مَظْلَمَتِهِ اش کشته شود یعنی دُونَ مالش، دُونَ عرضش و دُونَ جانش کشته شود و او شهید است.

خبر هشتم باب، {عن عبدالله بن سنان عن ابی عبد الله (علیه السلام) قال قال رسول الله (صلی الله علیه وآله) مَنْ قُتِلَ دُونَ مَظْلَمَتِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ} هر کس در راه حق خودش و برای حفظ حق خودش قیام کند و کشته شود و هو شهید.

خبر سیزدهم، {مِن أَلْفَاظِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله) مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ} این را صدوق اینگونه ذکر می کند. کتاب من لایحضره الفقیه ۶ هزار حدیث دارد، کتاب کافی اصولاً و فروعاً ۱۵ هزار حدیث دارد. آیت الله العظمی بروجردی می فرمودند من خیلی دوست دارم که با عامّه بحث کنم و به آنها ثابت کنم که ما چقدر روایات از اهل بیت (علیهم السلام) داریم و آنها چقدر در روایت کم و کسر دارند، ایشان می فرمایند اگر تمام روایات آنها را جمع کنید به ۱۳، ۱۴ هزار نمی رسد. کتابی است به نام جامع الأصول که مال ابن اثیر است و تمام روایات را جمع کرده است که تمام آنها (بنده دیده ام) ۱۴ هزار تا است. ما در وسائل ۳۵ هزار حدیث داریم، در مستدرک هم ۲۲ هزار حدیث داریم که مجموعاً

انسان را ببرند و قتال نکنند یک خَفَّت و ذَلَّتی برای انسان می باشد و با آن اخباری که خواندیم و می گفتند که شارع مقدس می خواهد که عزت انسان حفظ شود منافات پیدا می کند، اما گاهی اینگونه نیست. صاحب جواهر بحث اینجا را حواله کرده است به کتاب حدود، کتاب حدود جلد ۴۱ جواهر است و صاحب جواهر در آخر آنجا این بحث را آورده است و همین مشی فقهاء را پیموده است. امام (رضوان الله تعالی علیه) هم در تحریر الوسیله در کتاب دفاع که بعد از امر به معروف ذکر کرده اند می فرمایند در مال جائز است و در آن دو واجب است.

چند نکته در اینجا وجود دارد، یک نکته ای که قبلاً از تذکره بیان شد و در جواهر وجود نداشت این می باشد که اگر به زنی حمله کنند (البته در روایات به این گونه نیست) و بخواهند با او زنا کنند و یا به مردی حمله کنند و قصد لواط داشته باشند واجب است دفاع کند، کشته شود ولی به این کار تن در ندهد، اینجا امر دائر می شود بین جاننش و عرضش، یا باید زنده بماند که در این صورت عرضش از بین رفته است چون با او یا زنا انجام شده و یا لواط، و یا اینکه دفاع کند و کشته شود و عرض خود را حفظ کند، تذکره می گوید باید عرض خودش را حفظ کند ولو تا حد کشته شدن برسد.

بحث دیگری که در اینجا وجود دارد بحث الایسرفالایسر می باشد، گفتیم که مراتب دارد. اگر کسی حمله می کند شما باید با مراتب دفاع کنید، چون ممکن است مثلاً آن شخصی که آمده نمی خواهد شما را بکشد بلکه می خواهد فقط زخمی به دست شما بزند در این صورت شما نباید او را بکشید، خلاصه باید مراتب رعایت شود.